

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جیمز ای لوکاس،
برگردان: آمادور نویدی
۰۲ جولای ۲۰۱۶

امریکا پس از جنگ جهانی دوم در ۳۷ «کشور قربانی» بیش از ۲۰ میلیون نفر کشته است

۲

جمهوری دمکراتیک کنگو (زئیر سابق)

آغاز خشونت گسترده در این کشور توسط استعمارگر آن، شاه لیوپولد بلجیم در سال ۱۸۷۹ تحریک شده بود. جمعیت کنگو طی یک دوره ۲۰ ساله تا ۱۰ میلیون نفر کاهش یافت که برخی ها از آن به عنوان «نسل کشی لیوپولد» نام می برند. (۱) امریکا مسؤل مرگ حدود یک سوم قتل های بی شماری است که در آن کشور در سال های اخیر صورت گرفته است. (۲)

در سال ۱۹۶۰ کنگو به یک کشور مستقل تبدیل شد که پاتریس لومومبا اولین نخست وزیر آن بود. او با دخالت سیا ترور شد، اگر چه برخی ها می گویند که در واقع بلجیم مسؤل قتل او بود. (۳) اما با این وجود، سیا برای قتل او برنامه ریزی کرده بود. (۴) قبل از ترور او سیا یکی از دانشمندان خود، دکتر سیدنی گوتلیب را به کنگو می فرستد، که «مواد بیولوژیکی مرگباری» در نظر گرفته شده را برای استفاده در ترور لومومبا حمل کند. این ویروس می توانست قادر به تولید یک بیماری کشنده برای منطقه بومی کنگوی افریقا باشد و با یک کیف دیپلوماتیک حمل شد. در اکثر زمان سال های اخیر جنگ داخلی در جمهوری دمکراتیک کنگو وجود داشته است، که اغلب توسط امریکا و دیگر کشورها، از جمله کشورهای همسایه دامن زده شده است. (۵)

در اپریل سال ۱۹۷۷، نیوزدی گزارش داد که سیا مخفیانه از تلاش برای استخدام صدها مزدور در امریکا و بریتانیای کبیر جهت خدمت در کنار ارتش زئیر حمایت می کند. امریکا در همین سال ۱۵ میلیون دالر تجهیزات نظامی به موبوتو رئیس جمهور زئیر برای دفع حمله گروه های رقیب ارائه داد که در آنگولا عملیات دارند. (۶)

در ماه مه ۱۹۷۹، امریکا چندین میلیون دالر برای کمک به موبوتو فرستاد که سه ماه قبل تر آن توسط وزارت امور خارجه امریکا به نقض حقوق بشر محکوم شده بود. (۷) امریکا در طول جنگ سرد بیش از ۳۰۰ میلیون دالر اسلحه به زئیر سرازیر کرد (۸، ۹) ۱۰۰ میلیون دالر برای آموزش نظامی به او ارائه گردید. (۲) در سال ۲۰۰۱ به کمیته کنگره امریکا گزارش شد که شرکت های امریکائی، از جمله یکی که با رئیس جمهور سابق جرج بوش پدر مرتبط

بوده، کنگو را برای منافع پولی آماده کرده است. یک نبرد بین المللی برای منابع آن کشور وجود دارد که بیش از ۱۲۵ شرکت و فرد دخالت دارند. یکی از این مواد کولتان (مواد معدنی سیاه ترکیبی از نیوبایت/سنگ معدن فلز دار و تانتالایت/عنصر فلزی - م) است، که در ساخت تلفون های همراه به کار برده می شود. (۲)

جمهوری دومینیک

در سال ۱۹۶۲، خووان باش رئیس جمهور جمهوری دومینیک شد. او حامی برنامه هائی مانند اصلاحات ارضی و کارهای عمومی بود. این خبر خوبی برای رابطه آینده با امریکا نبود، و تنها پس از ۷ ماه در ریاست، او با کودتای سیا سرنگون شد. در سال ۱۹۶۵ وقتی که گروهی سعی کرد تا او را دوباره به ریاست جمهوری برگزیند، رئیس جمهور جانسون گفت: «این باش خوب نیست». معاون وزیر امور خارجه آقای مان پاسخ داد: «آقای رئیس جمهور، او به هیچ وجه خوب نیست. اگر ما یک دولت مناسب و محجوب در آن جا نگیریم، یک باش دیگر می گیریم، و یک منجلاب می شود.» دو روز بعد حمله امریکا شروع شد و ۲۲۰۰۰ پرسنل نظامی و تفنگدار به جمهوری دومینیک وارد شدند و حدود ۳۰۰۰ نفر از مردم دومینیک در مدت جنگ کشته شدند. بهانه پوشش برای چنین جنایتی، حفاظت از خارجی های آن جا اعلام شد. (۱،۲،۳،۴)

تیمور شرقی

در دسمبر سال ۱۹۷۵، اندونزیا به تیمور شرقی حمله کرد. این تهاجم روز بعد از آن راه اندازی شد که رئیس جمهور امریکا جرال فورده و وزیر امور خارجه هنری کسینجر اندونزیا را ترک کرده بودند، جایی که آنها به رئیس جمهور سوهارتو اجازه استفاده از سلاح های امریکائی دادند، در حالی که تحت قانون امریکا، نباید از آن سلاح ها برای تجاوز استفاده شود. دانیل موینیهان، سفیر امریکا در سازمان ملل گفت که امریکا می خواست که «کارها به همان صورتی پیش برود که رفت.» (۱،۲) نتیجه آن شد که حدود ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار) نفر از جمعیت ۷۰۰ هزار نفری تیمور شرقی کشته شدند. (۱،۲)

شانزده سال بعد، در ۱۲ نومبر سال ۱۹۹۱، ۲۷۰ (دویست و هفتاد) نفر از تظاهر کنندگان تیمور شرقی، اکثر آنها کودک، در مراسم یادبود در دیلی (مرکز تیمور شرقی - م)، راهپیمائی می کردند، که توسط پرسنل شوک کوپاسوس اندونزیا (نیروهای ویژه ارتش اندونزیا برای انجام عملیات ویژه - م) تحت ریاست فرمانده های آموزش دیده امریکائی پارابو سابیاناتو (داماد جنرال سوهارتو) و کیکی سیاهناکری، کشته شدند. کامیون هائی دیده شد که اجساد را به دریا انداخته اند. (۵)

السالوادور

جنگ داخلی در السالوادور از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۲ با ۶ میلیارد دالر کمک امریکا برای حمایت از دولت و تلاش برای شکست جنبشی که خواهان عدالت اجتماعی برای حدود ۸ میلیون جمعیت آن کشور بود، تأمین مالی شد. (۱) طبق مصاحبه ای که با یک فراری از ارتش السالوادور در نیویورک تایمز منتشر شده است، در آن زمان مشاوران نظامی امریکا روش های شکنجه را بر زندانیان نوجوان انجام می دادند. این عضو سابق گارد ملی السالوادور شهادت داد که او عضوی از جوخه دوازده نفری بود که افرادی را که گفته می شد چریک هستند پیدا می کرد و شکنجه می داد. بخشی از آموزشی که در شکنجه دریافت نمود در مکانی امریکائی در پاناما بود. (۲)

در سال ۱۹۸۱ حدود ۹۰۰ روستائی در روستای ال موزوتی قتل عام شدند. ده نفر از دوازده سرباز دولت السالوادور که به عنوان شرکت کننده در این اقدام ذکر شده اند، فارغ التحصیل مدرسه ای هستند که توسط امریکائی ها اداره می شود. (۲) آنها تنها بخشی از حدود ۷۵۰۰۰ مردم کشته شده در طول جنگ داخلی هستند. (۱)

طبق گزارش کمیسیون حقیقت یاب سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، بیش از ۹۶٪ نقض حقوق بشر صورت گرفته در طول جنگ توسط ارتش السالوادور یا جوخه های مرگ شبه نظامیان مرتبط با ارتش السالوادور انجام گرفته است. (۳)

آن کمیسیون، فارغ التحصیلان مدرسه امریکائی را به بسیاری از قتل های بدنام مرتبط ساخت. نیویورک تایمز و واشنگتن پست با مقالات سوزان دنبال شدند. در سال ۱۹۹۶، هیأت نظارت کاخ سفید گزارشی صادر کرد که از بسیاری اتهامات علیه آن مدرسه امریکائی عنوان شده توسط رو. روی بورژوازی، رئیس دانشکده دیده بان امریکا حمایت کرد. در همان سال پنتاگون گزارش طبقه بندی شده قبلی را منتشر کرد که نشان می داد فارغ التحصیلان برای کشتن، اجحاف، و سوء استفاده فزیکتی برای بازجویی، به دروغ زندانی کردن و دیگر روش های کنترول آموزش داده شده بودند. (۴)

گرانادا

پس از آن که موریس بیشاپ در سال ۱۹۷۹ رئیس جمهور شد، سیا شروع به بی ثبات کردن گرانادا کرد، بخشی به این دلیل که او حاضر نشد به انزوای کوبا بپیوندد. کمپین علیه او منجر به سرنگونی او و حمله امریکا به گرانادا در ۲۵ اکتوبر سال ۱۹۸۳ گشت، که حدود ۲۷۷ نفر کشته شدند. (۱،۲) او متهم شد که فرودگاهی در گرانادا ساخته می شد که می توانست برای حمله به امریکا مورد استفاده قرار بگیرد و هم چنین به دروغ ادعا شد که جان دانشجویان پزشکی امریکائی در آن جزیره در خطر بود.

گوآتمالا

در سال ۱۹۵۱ **چاکوب آربنز** به ریاست جمهوری گوآتمالا برگزیده شد. او برخی از زمین های به کار گرفته نشده شرکت میوه متحد/یونایتد فروت کمپانی را برای خود برداشت و به شرکت خسارت داد. (۱،۲) آن شرکت سپس شروع به کمپینی کرد که آربنز را به عنوان ابزار توطئه بین المللی جا بزند و حدود ۳۰۰ مزدور استخدام کرد که در عرضه نفت و قطارها خرابکاری کنند. (۳) در سال ۱۹۵۴ یک کودتا به رهبری سیا او را از ریاست برکنار کرد و او به خارج کشور رفت. در طول ۴۰ سال بعد رژیم های گوناگون هزاران نفر از مردم را کشته اند.

در سال ۱۹۹۹ واشنگتن پست گزارش کرد که یک کمیسیون روشن تاریخی نتیجه گیری کرد که بیش از ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار) نفر در طول جنگ داخلی کشته شده اند و ۴۲۰۰۰ (چهل و دو هزار) نقض حقوق بشری صورت گرفته، که ۲۹۰۰۰ (بیست و نه هزار) از آن ها مرگ در پی داشته است، ۹۲٪ از آنها توسط ارتش صورت گرفته است. کمیسیون در ادامه گزارش داد که دولت امریکا و سیا به دولت گوآتمالا فشار آورده اند که جنبش چریکی را به بیرحمانه ترین وضع ممکن سرکوب کند. (۴،۵)

بنابر گزارش کمیسیون بین سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۸۳ دولت نظامی گوآتمالا - کمک مالی و حمایت شده توسط امریکا - حدود چهار صد روستای مایان را در یک کمپین نسل کشی نابود کرد. (۴)

یکی از مدارک ارائه شده به کمیسیون یادداشت سال ۱۹۶۶ یک مقام وزارت امور خارجه آمریکا بود، که شرح می داد که چه گونه یک «خانه امن» برای استفاده مأموران امنیتی گواتمالا و ارتباطات امریکائی آنها ساخته شد. این مرکز فرماندهی برای «جنگ کثیف» گواتمالا علیه شورشیان چپ و متحدان مظنون بود. (۲)

هائیتی

هائیتی از سال ۱۹۵۷ تا سال ۱۹۸۶ توسط **پاپا داک دووالی** پیر و سپس توسط پسر او اداره شد. در آن زمان نیروهای خصوصی تروریستی آنها بین ۳۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ (سی تا صد هزار) نفر از مردم را کشتند. (۱) در آن زمان میلیون ها دالر یارانه سیا به هائیتی سرازیر شد، که عمدتاً برای سرکوب جنبش های مردمی بود، (۲) اگرچه اغلب کمک نظامی امریکا به آن کشور، طبق گفته ویلیام بلوم، مخفیانه از طریق اسرائیل هدایت می شد. بنا به گزارشات، دولت ها پس از دوران حکمرانی **دووالی** پیر برای حتی شمار بیشتری از کشتارها مسؤول بودند، و نفوذ امریکا بر هائیتی، به ویژه از طریق سیا، ادامه داشته است. امریکا بعد ها یک کشیش سیاه پوست کاتولیک، **چیان برتراند آریستد** را از ریاست جمهوری برکنار کرد، حتی اگر چه او با ۶۷٪ رأی در سال های اولیه ۱۹۹۰ انتخاب شده بود. طبقه ثروتمند سفید پوست در هائیتی در کشوری که اغلب سیاه پوست هستند، به این دلیل که برنامه های اجتماعی طراحی شده او برای کمک به فقراء و پایان دادن به فساد بود، مخالف او بود. (۳) بعدها به ریاست برگشت، اما زیاد طول نکشید. او به وسیله امریکا مجبور شد تا ریاست را ترک کند و اکنون در افریقای جنوبی زندگی می کند.

هندوراس

در سال های ۱۹۸۰ سیا از گردان ۳۱۶ حمایت نمود، که در آدم ربائی، شکنجه و کشتن صدها نفر از شهروندان خود شرکت داشت. تجهیزات شکنجه و کتابچه های راهنما توسط پرسنل ارجنتائینی سیا که با عوامل امریکائی در آموزش هندوراسی ها کار می کردند، ارائه گردید. تقریباً ۴۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. (۱،۲) این مثال دیگری از شکنجه در جهان است که توسط امریکا حمایت مالی شده است. (۳)

گردان ۳۱۶ از دستگاه های شوک دهنده و خفه کننده در بازجویی در سال های ۱۹۸۰ استفاده کرد. زندانیان اغلب برهنه نگاه داشته می شدند و، هنگامی که دیگر فایده ای نداشت، کشته می شدند و در گورهای بی نام به خاک سپرده می شدند. اسناد غیرمحرمانه و دیگر منابع نشان می دهد که سیا و سفارت امریکا از جنایات بی شمار خبر داشت، از جمله قتل و شکنجه، اما با این وجود در حمایت از گردان ۳۱۶ ادامه داد و با رهبران آن همکاری کرد. (۴)

هندوراس در اوایل سال های ۱۹۸۰ اسکان موقت برای کنترها/ضد انقلاب بود که سعی می کردند تا دولت سوسیالیست ساندنیست در نیکاراگوئه را سرنگون سازند. جان دی. نگرپونته، که معاون وزیر امور خارجه بود، سفیر ما بود، وقتی که کمک نظامی ما به هندوراس از ۴ میلیون دالر به ۷۷/۴ میلیون دالر در سال افزایش یافت. نگرپونته هرگونه آگاهی از این جنایات را در طول زمان تصدی خود انکار می کند. با این حال، سلف او در آن موقعیت، جک آر. بیننز، در سال ۱۹۸۱ گزارش داده بود که او عمیقاً نگران افزایش شواهد ترورهای ضمانت شده رسمی است. (۵)

هنگری

در سال ۱۹۵۶ هنگری، یک کشور ماهواره شوروی، علیه شوروی شورش کرد. در مدت قیام رادیوی امریکائی اروپای آزاد که برای هنگری برنامه پخش می کرد، برخی اوقات یک لحن تهاجمی به خود می گرفت، شورشیان را

تشویق می کرد تا باور کنند که حمایت غرب حتمی است و حتی مشاوره تاکتیکی می داد که چه گونه با شوروی ها بجنگند. آنها را امیدوار کردند و سپس پخش این برنامه ها که حتی سایه تیره تری بر تراژیدی هنگری انداخت، نقش بر آب شد. (۱) تلفات هنگری ها و شوروی ها حدود ۳۰۰۰ نفر بود و انقلاب سرکوب شد. (۲)

اندونزیا

در سال ۱۹۶۵، در اندونزیا یک کودتای نظامی، جنرال سوکارنو را با جنرال سوهارتو به عنوان رهبر جانشین جایگزین ساخت. امریکا در تغییر آن دولت نقش داشت. روبرت مارتینز، یک مقام سابق در سفارت امریکا در اندونزیا، شرح داد که چه گونه در سال ۱۹۶۵ دیپلمات های امریکا و افسران سیا تا ۵۰۰۰ نام به جوخه های مرگ ارتش اندونزیا ارائه دادند و هنگامی که کشته و یا دستگیر می شدند، نام آنها را علامت می زدند. مارتینز اعتراف کرد که «من احتمالاً دستم به خون بسیاری آلوده شده است، اما به هیچ وجه بد نیست. زمانی وجود دارد که باید ضربه محکمی در لحظه مناسب بزنید.» (۱،۲،۳) تخمین زده می شود که شمار کشته ها بین ۵۰۰۰۰۰ (پانصد هزار) تا ۳ میلیون نفر است. (۴،۵،۶)

از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۷ امریکا به جاکارتا (پایتخت اندونزیا) تقریباً ۴۰۰ میلیون دلار در کمک اقتصادی ارائه داده است و ده ها میلیون دلار به آن کشور سلاح فرخته است. کلاه سبزهای امریکائی به نیروهای نخبه اندونزیائی آموزش ارائه می دهند که مسؤول بسیاری از جنایات در تیمور شرقی هستند. (۳)

ایران

ایران در جنگ علیه عراق از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸، حدود ۲۶۲۰۰۰ نفر از دست داد. (۱) برای اطلاع بیشتر به اطلاعات درباره جنگ به عراق مراجعه کنید.

در ۳ جولای سال ۱۹۸۸، کشتی جنگی نیروی دریائی امریکا، وینسنز، در درون آب های ایران مشغول عملیات و ارائه کمک نظامی به عراق در طول جنگ بین ایران و عراق بود. در طول جنگ علیه قایق های توپدار ایران، به هواپیمای مسافربری ایرباس که در مسیر معمولی پرواز غیرنظامی بود، دو راکت شکیک کرد. تمام ۲۹۰ مسافر و خدمه غیرنظامی هواپیما کشته شدند. (۲،۳)

عراق

الف. جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۸۸ طول کشید و در طول آن زمان بنابر گزارش واشنگتن پست، حدود ۱۰۵۰۰۰ (صد و پنج هزار) عراقی کشته شدند. (۱،۲)

به گفته هاوارد تیچر، مقام سابق شورای امنیت ملی، امریکا به عراقی ها میلیاردها دلار وام ارائه داد و در راه های دیگری به عراق کمک کرد، مانند این که مطمئن شود که عراق تجهیزات نظامی، از جمله سلاح بیولوژیک دارد. این افزایش کمک در حالی صورت گرفت که به نظر می رسید که ایران برنده جنگ است و به بصره نزدیک می شد. (۱) امریکا موافق تضعیف هر دو کشور بر اثر جنگ بود، و نمی خواست که نه ایران و نه عراق برنده شود.

ب. جنگ امریکا با عراق و تحریمات علیه عراق از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۳ افزایش یافت.

عراق در ۲ اگست سال ۱۹۹۰ به کویت حمله کرد، و امریکا خواستار خروج نیروهای عراق از کویت شد، و چهار روز بعد سازمان ملل تحریمات بین المللی را بر عراق به اجرا گذارد.

عراق از آنجائی که سفیر امریکا در عراق، **آوریل گلاسیپی**، به صدام حسین گفته بود که امریکا در مناقشه کشورش با کویت هیچ موضعی ندارد، دلیلی برای باور داشت که امریکا مخالف حمله او به کویت نیست. بنابراین چراغ سبز داده شده بود، اما به نظر می رسید که بیشتر یک تله بوده است.

به عنوان بخشی از ستراتیژی روابط عمومی جهت نیرو دادن به مردم امریکا در حمایت برای حمله علیه عراق، دختر سفیر کویت (شهادت نیره الطباح، ویکی پدیا - م) در امریکا در برابر کنگره امریکا به دروغ شهادت داد که سربازان عراقی دو شاخه های بیمارستان کویت را در محل پرورش اطفال زودرس (انکوبیتور ها) می کشیدند. (۱)

[https://en.wikipedia.org/wiki/Nayirah_\(testimony\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Nayirah_(testimony))

این اظهارات به شور و هیجان جنگ در امریکا کمک کرد.

حمله هوایی امریکا در ۱۷ جنوری سال ۱۹۹۱ شروع شد و ۴۲ روز طول کشید. در ۲۳ فبروری سال ۱۹۹۱، رئیس جمهور جورج اچ. بوش (پدر) دستور حمله زمینی امریکا را صادر کرد. حمله با کشتار بسیار زیاد پرسنل نظامی عراقی که ضرورتی نداشت، صورت گرفت. در مقایسه با حدود ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار) کشته عراقی، تنها ۱۵۰ نفر از پرسنل نظامی امریکائی کشته شدند. برخی از عراقی ها بی رحمانه در بزرگراه مرگ کشته شدند و حدود ۴۰۰ تن از اورانیوم رقیق شده توسط امریکا در این کشور برجای گذارده شد. (۲،۳)

مرگ های دیگر به علت معلول شدن، و کشتار غیر نظامیان بود، آنهایی که بر اثر خرابی تأسیسات آب درمانی عراق و دیگر جنبه های تخریب زیرساخت و توسط تحریمات عراق کشته شدند.

در سال ۱۹۹۵، سازمان مواد غذایی و کشاورزی سازمان ملل گزارش داد که تحریمات سازمان ملل علیه عراق از سال ۱۹۹۰ مسؤل مرگ بیش از ۵۶۰۰۰۰ (پانصد و شصت هزار) کودک بوده است. (۵)

لیسلی استاهل در برنامه تلویزیونی ۶۰ دقیقه در سال ۱۹۹۶، به مادلین آلبرایت، سفیر امریکا در سازمان ملل ذکر کرد: «ما شنیده ایم که نیم میلیون کودک عراقی مرده اند. منظورم این است، که بیشتر از شمار کودکانی که در بمباران هیروشیما جاپان مرده اند. و - شما می دانید، آیا این هزینه (کشتن نیم میلیون کودک عراقی - م) ارزش داشت؟» خانم آلبرایت پاسخ داد: «فکر می کنم که این انتخاب خیلی سختی است، اما این هزینه - ما فکر می کنیم که ارزش داشت.» (۴)

در سال ۱۹۹۹، پونیسف گزارش داد که هر ماه ۵۰۰۰ کودک عراقی به علت تحریمات و جنگ با امریکا می میرند. (۶)

ریچارد گارفیلد بعدها تخمین زد که به احتمال زیاد شمار بیش از حد مرگ و میر در میان کودکان زیر پنج سال از سال ۱۹۹۰ تا ماه مارچ ۱۹۹۸، دو برابر دهه های قبل - ۲۲۷۰۰۰ (دویست و بیست و هفت هزار) نفر بوده است. گارفیلد تخمین زد که تا سال ۲۰۰۰، شمار مرگ و میر ۳۵۰۰۰۰ (سیصد و پنجاه هزار) نفر بوده است (بر مبنای بخش نتیجه مطالعه دیگر). (۷)

با این حال، محدودیت هائی برای این مطالعات وجود دارد. آمار و ارقام او برای سه سال باقی مانده تحریمات به روز نشده بود. هم چنین، دو گروه دیگر سنی تا اندازه ای آسیب پذیر: کودکان نونهال بالای پنج سال و افراد مسن مورد مطالعه قرار نگرفته بودند.

تمام این گزارش ها شاخص های قابل توجهی از شمار مرگ و میر گسترده ای بودند که امریکا از آن آگاه بود و بخشی از ستراتیژی او جهت وارد آوردن فشار درد و وحشت کافی میان عراقی ها بود تا باعث شود که آنها علیه دولت خود شورش کنند.

پ: جنگ امریکا و عراق در سال ۲۰۰۳ شروع شد و خاتمه نیافته است

درست در حالی که پایان جنگ سرد امریکا را در حمله به عراق در سال ۱۹۹۱ جسور کرد، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه را برای راه اندازی جنگ کنونی امریکا علیه عراق بنا نهاد. در حالی که در دیگر جنگ ها بعد ها متوجه دروغ هائی می شدیم که برای فریب ما استفاده شده اند، ولی برخی از این فریب هائی که برای وارد کردن ما در این جنگ به کار گرفته شد، تقریباً در اسرع وقت درست زمانی که به زبان آورده شدند، شناخته شدند. هیچ سلاح کشتار جمعی وجود نداشت، ما تلاش نمی کردیم که دموکراسی را ترویج دهیم، ما سعی نمی کردیم که مردم عراق را از یک دیکتاتور نجات دهیم.

تعداد کل کشته های عراقی که ناشی از جنگ کنونی ما علیه عراق است، ۶۵۴۰۰۰ (ششصد و پنجاه و چهار هزار) نفر است، که طبق گفته تحقیقات جان هاپکین، ۶۰۰۰۰۰ (ششصد هزار) نفر از آن مرتبط به اعمال خشونت است. (۱،۲) از آن جایی که این مرگ و میرها ناشی از حمله امریکا می باشد، رهبران ما باید مسؤولیت آن کشتارها را بپذیرند.

ادامه دارد